

کیفیت زندگی به مثابه سازه اجتماعی

چکیده

کیفیت زندگی از شاخص های توسعه پایدار رفاه اجتماعی از سازه های (ذهنی و عینی) است. تحولات اجتماعی و جامعه باعث می شود برنامه ریزان اجتماعی هدف نهایی خود را تدابیر راهبردهای اجتماعی از جمله (سرمایه، اعتماد، مشارکت، سلامت، حمایت رضایت، و...) قرار دهند تا از این طریق بتوانند برنامه های توسعه ای جامعه را متناسب با شرایط مختلف، تدوین نمایند. با توجه به اسناد فرادستی جامعه ایران، ارتقاء شاخص های کیفیت زندگی در برنامه ششم در راستای ارتقاء شاخص های بهزیستن، توزیع عادلانه فرصت ها، اشتغال زایی تقویت شاخص های فرهنگی و اجتماعی سبک زندگی اسلامی و ایرانی، پایش محیط زیست، مشارکت پایدار شهروندان در جهت ارتقاء کیفیت زندگی باید تدوین گردد؛ علاوه بر این کاهش تنش های اجتماعی، حمایت از خلاقیت ها، ارتقاء سطح زندگی اقشار مختلف جامعه، در عرصه تدوین برنامه ششم توسعه مورد اهتمام باید باشد؛ در راستای چنین برنامه ریزی (ارتقاء شاخص های سرمایه اجتماعی، دستیابی به امکانات، احساس رضایت، جلوگیری از بی اعتنایی اجتماعی و کاهش محرومیت و...) را تا پایان برنامه ششم باید فراهم نمود. در این راستا تدوین تدابیر و راهبردهای اجتماعی مد نظر می باشد.

کلیدواژه: برنامه ششم، توسعه پایدار، رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی

۱. مقدمه

مقاله کیفیت زندگی از شاخص های توسعه پایدار در هر جامعه ای است که امروزه تاثیر بسزایی در عرصه های مدیریتی دارد. اهتمام به مطالعات اجتماعی و روانی در این حوزه رفاه اجتماعی به این دلیل است که تأثیر پژوهش های کیفیت زندگی در پایش سیاست گذاری های عمومی و تدابیر اجتماعی نقش مهمی به عنوان ابزاری کارآمد در توسعه پایدار خواهد داشت. کیفیت زندگی در ارتباط با یکسری از متغیرهای روانی و اجتماعی بر توسعه پایدار جوامع اثر گذار است، همچنین این مفهوم مرتبط با نیازهای بشری است. «بنابراین اگر چه مفهوم کیفیت زندگی چند بُعدی است اما باید به عنوان یک کل در نظر گرفته شود، حاکمیت و افراد هر جامعه ای برای برآوردن نیازهای کلی خود و بهینه سازی این نیازها باید سعی کنند، اقدامات و تدابیری را پایه گذاری نمایند، تا بتوانند گام موثری در عرصه توسعه پایدار زندگی بالاخص در بعد اجتماعی آن بردارند» [۱] بهره مندی از شاخص های (کمی و کیفی) کیفیت زندگی و عوامل بسط آن در جهت پایداری توسعه ملی، منطقه ای و محلی از مهمترین ضرورت ها و توانمندی ها حکمرانی مطلوب در هر جامعه ای است.

۲. بیان مسئله

تغییرات شتابان اجتماعی و فرهنگی، همانند سایر نقاط دنیا جامعه ایران را دچار تحولات عمیق نموده است، «در نیم قرن اخیر شهرها به واسطه افزایش شهرنشینی که امروزه از مهم ترین جنبه های تغییر جهانی است [۲] امروزه این تحولات باعث شده که دولت ها به سمت احیای توسعه پایدار در عرصه های مختلف از جمله حوزه های اجتماعی و روانی و... حرکت کنند، در عصر حاضر برنامه ریزان حوزه اجتماعی شاخص های ذهنی و کمی کیفیت زندگی را امری ضروری برای ارتقاء زندگی اجتماعی و رفاهی شهروندان مورد توجه قرار می دهند، و هدف نهایی خود را از طریق ارائه تدابیر رفاهی و راهبردهای اجتماعی و استمرار شاخص های زندگی اجتماعی از جمله (سرمایه، اعتماد، مشارکت، سلامت، حمایت رضایت، و...) در جهت تقویت پایه های

استاندارد توسعه پایدار جامعه قرار داده اند. در این مقاله با تأکید بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهشی در حوزه کیفیت زندگی به ارزیابی روابط تبیینی موثر بر این مقوله با عواملی چون (سرمایه اجتماعی، رفاه اجتماعی، حمایت اجتماعی و...) می‌پردازیم؛ همچنین به دنبال پاسخگویی به این سوالات هستیم: که مهمترین ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی از بُعد مطالعات اجتماعی به عنوان شاخصی از توسعه رفاه اجتماعی چیست؟ وضعیت کیفیت زندگی در ایران در جهت توسعه پایدار چگونه است؟ مهمترین راهبردها و تدابیر اجتماعی در جهت ارائه برنامه ششم توسعه ایران در قالب برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری اجتماعی را بیان می‌کنیم.

۳. ضرورت موضوع

ظهور انقلاب صنعتی و گسترش روزافزون فرایند تفکیک و تمایز اجتماعی در جوامع بشری، ضرورت سازماندهی فرایند توسعه را از حیث نظری و عملی به همراه داشته، به گونه‌ای که رویکردهای مختلفی در باب چگونگی و کم و کیف توسعه مطرح شده است، هرچند که وجه غالب اکثر آنها تمرکز بر رشد اقتصادی و حتی معادل دانستن توسعه با آن بوده است؛ «بنابراین در پی تحولات مرتبط با صنعتی شدن و افزایش اهمیت توسعه اقتصادی و کوتاهی در قبال ارزش‌های محیطی و اجتماعی، ضرورت مفهوم کیفیت زندگی با محور قراردادن توسعه اجتماعی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سیاست‌های توسعه و رویکردی برای اصلاح شرایط اجتماعی معرفی می‌گردد. استفاده از این مفهوم به دوران یونان قدیم و ارسطو بازمی‌گردد» [۳] بنابراین ضرورت ویژگی مفهوم کیفیت زندگی در ارتباط با توسعه پایدار آن است که می‌تواند شامل تمام کیفیت‌های جامعه شناختی و روانشناختی گردد «یعنی گستره بزرگی از مفاهیم جامعه شناختی می‌تواند در زیر چتر کیفیت زندگی قرار بگیرد. اما وجه ضرورت مهم این مفهوم آن است که معمولاً برای بررسی عملکرد و نتایج سیاست‌ها و برنامه ریزی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد» [۴]

اهتمام به مقوله شاخص‌های (کیفی و کمی) کیفیت زندگی در راستای توسعه پایدار جامعه به مرور زمان متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاص آن جامعه، دستخوش تغییراتی می‌شود. می‌توان گفت که کیفیت زندگی را متأثر از مجموعه عواملی باید دانست که اساس پویایی زندگی در یک جامعه شکل می‌دهد. انجام پژوهشی جامع در این زمینه با توجه به مقتضیات جامعه ایران، امری ضروری است، زیرا هم شاخص کیفیت زندگی مشخص می‌شود و هم تأثیرات این شاخص در زمینه توسعه بالاخص توسعه پایدار مشخص می‌گردد. با توجه به منابع معین، سیاست‌گذاری اجتماعی می‌بایست بهینه‌ترین راه را برای توزیع این شاخص در راستای نیازها و اولویت‌های شهروندان بیابد. این امر می‌تواند بوسیله کاربرد نتایج تحقیقات مرتبط بعنوان ورودی در فرآیند تصمیم‌سازی تحقق یابد.

بنابراین قدر مسلم با وجود شتابی که در پدیده شهرنشینی در جامعه ما وجود دارد، توسعه پایدار بدون توجه به کیفیت زندگی به وقوع نخواهد پیوست؛ این تراکم عجیب و بی‌سابقه جمعیت و نیاز عمومی به جذب منابع اساسی منجر به بهره‌برداری‌های غیر طبیعی از منابع محلی و استثمار منابع همسایگی خواهد شد؛ بنابراین مفاهیم مربوط به توسعه پایدار با افزایش روند شهری شدن زندگی بشر، به این حیطه وارد گردیده است؛ در واقع توسعه پایدار شهری محصول نگاه‌های جدید به عدالت (اجتماعی، فضایی و محیطی) نسبت به شهر است. چنین امری منجر به تغییر پارادایم توسعه گردیده است برای این اساس «یکی از مظاهر عمده تغییر مفهوم توسعه، تحولی است که در نحوه نگرش سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن در طول دو دهه اخیر نسبت به این مفهوم به وجود آمده است. در واقع سازمان ملل متحد از الگوی جدیدی برای توسعه حمایت می‌کند که فراتر از توسعه اقتصاد، به توسعه پایدار نظر دارد» [۵] بر این منوال یکی از نتایج توجه به ضرورت مفهوم کیفیت زندگی در برنامه ریزی ششم توسعه جامعه ایران، در نظر گرفتن نتایج کمی و تأثیرات کیفی کیفیت زندگی بر روان و حیات معنوی انسان شهروندان باید باشد،

که در گذشته کمتر به آن توجه می شد. این امر به نوبه خود مستلزم شناخت نیازهای انسانی و تنوع آنهاست که بسیار فراتر از نیازهای زیستی یا اقتصادی است.

۴. تاریخچه کیفیت زندگی

از دهه ۱۹۳۰، محققان با روش های (و طرز برخوردها) متنوع کیفیت زندگی را مطالعه کرده اند. برنامه ریزان حوزه های رفاهی و اجتماعی کوشیده اند تا اجزاء و عناصر کیفیت زندگی را معین نمایند و مناطق جغرافیایی مانند شهرها، ایالات و ملت ها را بوسیله شاخص های کیفیت زندگی که آنها گسترش دادند، مقایسه کنند (لیو، ۱۹۷۶، بویر و ساواگو، ۱۹۸۱؛ بلوم کوئیست و دیگران، ۱۹۸۸؛ استاور و لیون، ۱۹۹۲؛ سوفین، ۱۹۹۳). علاوه بر محققان، سازمان های بین المللی مانند UNDP (۱۹۹۴) سازمان ملل و شورای توسعه شاخص های (تعریف شده) خودشان را برای کیفیت زندگی توسعه دادند [۶] با وجود گذشت چندین دهه از رواج مفهوم کیفیت زندگی و تحقیقات متنوع صورت گرفته در این زمینه تعریف واحدی که مورد قبول همه باشد وجود ندارد. مرور متون مرتبط به کیفیت زندگی (فلس و پری، ۱۹۹۵؛ ماسام، ۲۰۰۲؛ لیبی، ۲۰۰۵؛ فیلیپس، ۲۰۰۶؛ سرجی، ۲۰۰۶) حاکی از تأیید دیدگاه صاحب نظران مختلف درباره ابهام مفهومی در تعریف این سازه است. هر محقق با توجه به حوزه مورد مطالعه، شرایط و ویژگی های جامعه تحقیق تعریفی از کیفیت زندگی ارائه می دهد. رومنی و همکارانش مجموعه استدلال هایی برای پاسخ به این پرسش ارائه می دهند که چرا تعریف پذیرفته شده جهان شمولی برای کیفیت زندگی وجود ندارد. این مجموعه عبارتند از: الف) فرایندهای روان شناختی مرتبط با تجربه کیفیت زندگی را می توان از دریچه زبان ها و دهلیزهای مفهومی مختلف توصیف و تفسیر کرد. ب) مفهوم کیفیت زندگی تا حد زیادی با ارزش داوری همراه است. ج) مفهوم کیفیت زندگی متاثر از رشد درک انسانی و فرایندهای توسعه در طول زندگی افراد در اجتماع محلی و میزان تحت تاثیر قرار گرفتن این فرایندهای روان شناختی توسط عوامل محیطی و سیستم های ارزش فردی است.

گرچه مفهوم کیفیت زندگی از اواخر قرن بیستم مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفته است، اما ریشه های آن در جامعه شناسی در اثر مهم "درباره کیفیت زندگی" از آگبرن (۱۹۴۶) می باشد که درباره حیات روستایی در ایالات متحده نوشته شده است. از این رو به دلیل فقدان تعریف عملیاتی واحد از کیفیت زندگی، واژه های مرتبط دیگری مانند بهزیستن، سطح زندگی، استاندارد زندگی، رضایتمندی از زندگی و خشنودی ظهور کرده اند (ماسام، ۲۰۰۲). یکی از اختلافات مهمی که بین متخصصین کیفیت زندگی وجود دارد دیدگاه آنها در رابطه با ذهنی یا عینی بودن این مفهوم است. بر همین اساس می توان محققین کیفیت زندگی را به سه دسته تقسیم کرد. «دسته اول کسانی هستند که فقط به بُعد ذهنی کیفیت زندگی توجه دارند. این ها در کارهای خود یا بُعد عینی کیفیت زندگی را لحاظ نمی کنند و یا آن را از لحاظ اهمیت در سطح بسیار پایینی قرار می دهند. دسته دوم کسانی هستند که برخلاف دسته اول کیفیت زندگی را از لحاظ عینی بررسی می کنند البته تعداد این افراد در قیاس با گروه اول بسیار کم است. اما دسته سوم که به نظر روز به روز بر تعداد آنها افزوده می شود کسانی هستند که دید جامع تری نسبت به این مفهوم داشته و معتقدند که کیفیت زندگی را باید از دو بُعد عینی و ذهنی مورد بررسی قرار داد» [۷]

۵. کیفیت زندگی به مثابه سازه اجتماعی

اکثر روانشناسان طرفدار استفاده از مفهوم ذهنی کیفیت زندگی بوده و معتقدند که رفاه هر فرد یا گروه از افراد دارای اجزای عینی و ذهنی است. اجزای عینی رفاه یا بهزیستی با آنچه که به طور معمول به عنوان استاندارد زندگی یا سطح زندگی نامیده می شود، ارتباط دارد و اجزای ذهنی آن به کیفیت زندگی می شود. در مقابل دسته اول که بُعد ذهنی کیفیت زندگی را لحاظ

می‌کنند. گروه دیگری نیز هستند که بحث خود را بیشتر بر روی جنبه‌های عینی این مفهوم در جامعه شهری متمرکز کرده‌اند. اگرچه تعداد این محققین زیاد نیست ولی رویکردی متفاوت از دیگران را در پیش گرفته‌اند. کسانی همانند مازلو و مک‌کال کیفیت زندگی را از بُعد عینی مورد بررسی قرار داده و معتقدند با لحاظ کردن جنبه‌های عینی کیفیت زندگی بهتر می‌توان به تحلیل این مفهوم پرداخت. این دو طرفدار استفاده از شاخص‌های عینی منطبق با هر فرهنگ برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی هستند» [۳]. رویکرد سوم تلاش می‌کند تا با ترکیب دو رویکرد یاد شده دید جامعتری در رابطه با کیفیت زندگی مطرح کند. نقطه شروع این کار را می‌توان در طبقه‌بندی فرانس دید. فرانس (۱۹۹۲) معتقد است که از لحاظ مفهومی، کیفیت زندگی هم جسمی است و هم ذهنی ولی جنبه ذهنی آن غلبه دارد. فرانس کیفیت زندگی را ادراک فرد از رفاه خود می‌داند و معتقد است که اگر درک فرد از کیفیت زندگی‌اش کاهش یابد سایر ویژگی‌های او تحت تاثیر قرار گرفته و باعث تحلیل آنها و در نهایت افت کیفیت زندگی می‌شود. اگرچه از لحاظ وسعت مفاهیم بررسی شده در زمینه کیفیت زندگی، فرانس را جزو طبقه سوم به حساب می‌آورند یعنی جزو اندیشمندانی که کیفیت زندگی را هم از بُعد عینی بررسی کرده‌اند و هم از بُعد ذهنی. ولی بررسی کارهای او (فرانس، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶) نشان می‌دهد که بیشتر این کارها متمرکز بر بُعد ذهنی کیفیت زندگی است و بخش عینی این مفهوم بازنمایی مناسبی به مثابه کارهای انجام شده توسط فیلیپس را نشان نمی‌دهد. فیلیپس در زمینه کیفیت زندگی به بررسی این مفهوم در ابعاد فردی و جمعی با استفاده از مؤلفه‌های عینی و ذهنی پرداخته است. از دید فیلیپس لازمه کیفیت زندگی فردی در بُعد عینی، نیازهای اساسی و برخوردار از منابع مادی جهت برآوردن خواسته‌های اجتماعی شهروندان است و در بُعد ذهنی به داشتن استقلال عمل در موارد زیر اشاره دارد: «۱- افزایش رفاه ذهنی شامل لذت‌جویی، رضایتمندی، هدفداری در زندگی و رشد شخصی. ۲- رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی. ۳- مشارکت در سطح گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی. کیفیت زندگی در بُعد جمعی آن بر ثبات و پایداری محیط فیزیکی و اجتماعی، منابع اجتماعی درون گروه‌ها و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند شامل انسجام مدنی، هم‌کوشی و یکپارچگی، روابط شبکه‌ای گسترده و پیوندهای موقتی در تمامی سطوح جامعه، هنجارها و ارزش‌هایی اعم از اعتماد، نوع دوستی و رفتار دگرخواهانه، انصاف، عدالت اجتماعی و برابری طلبی تاکید دارد» [۸]

۶. کیفیت زندگی و سیاست‌گذاری اجتماعی

با توجه به مهم بودن کیفیت زندگی برای افراد جامعه، تلاش برای ارتقاء آن از اصلی‌ترین اصول و اولویت‌های سیاست‌گذاری برنامه ششم توسعه می‌باشد لذا به جرات می‌توان گفت کلیه برنامه‌ها، سیاست‌ها و عملیات‌هایی اجرایی در جامعه در راستای ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان بسیار با اهمیت است. «کیفیت زندگی را به عنوان شاخصی در نظر باید گرفت که هم به نوعی هدف برنامه‌های توسعه بوده و هم معیاری که بر اساس آن می‌توان عملکرد این برنامه‌ها را مورد سنجش قرار داد. برنامه‌های توسعه ۵ ساله در جامعه را پیش از هر چیز، بازتابی از دیدگاه سیاست‌گذاران آن کشور و متولیان امر نسبت به مسأله توسعه باید دانست» [۳]. در واقع، با تحلیل این برنامه‌ها می‌توان دیدی کلی نسبت به اندیشه‌ها و افکار سیاست‌گذاران این امر و معیارها و شاخص‌های برنامه‌ریزی جامع توسعه‌ای پیدا کرد.

با در اختیار داشتن نتایج مطالعات کیفیت زندگی از پنج برنامه اجرا شده توسعه جامعه می‌توان به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی ششم توسعه پرداخت؛ همچنین درک و اولویت‌بندی مسایل اجتماعی برای برنامه‌ریزی آتی جامعه به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل نمود، در جامعه ایران عدم انتشار دقیق چنین نتایجی باعث شده که در تدوین اسناد فرادستی توسعه جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبرو گردد. سیاست‌گذاری در این

راستا باید با تکیه بر شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، اولویت های شهروندان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست ها و استراتژی ها معطوف گردد.

با توجه به مولفه های سیاست گذارانه سند چشم انداز بیست ساله کشور، در راستای ارتقاء شاخص های کیفیت زندگی در برنامه ششم توسعه باید (رشد اقتصادی و علمی، گسترش روابط سازنده و موثر در عرصه های (بین المللی- ملی- منطقه ای)، توسعه متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی، تقویت مکانیسم های پیوستگی مردم و حاکمیت، ارتقاء سلامت (عمومی- روانی- معنوی و اجتماعی)، گسترش رفاه و بهزیستن همگانی، استمرار امنیت (غذایی- دارویی- فرهنگی و اجتماعی)، تامین اجتماعی، بسط فرصت های برابری گروه های اجتماعی و استان های جامعه، توزیع مناسب و عادلانه درآمد شهروندان، استحکام نهاد خانواده، ارتقاء سبک زندگی اسلامی و ایرانی، تشویق و ترغیب به ازدواج پایدار، توسعه مکانیسم های توزیع عادلانه) اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)- توسعه بهره مند از محیط زیست مطلوب - توسعه مکانیسم های جلب رضایت عمومی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل و... مورد توجه برنامه ریزان، نمایندگان و مدیران دولتی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان قرار گیرد.

۷. شاخص های کیفیت زندگی ایران

شاخص کیفیت زندگی که به صورت سالانه، بین ۱۹۴ کشور جهان ارزیابی و منتشر می شود، نشان می دهد که کیفیت زندگی مردم ایران، در مقایسه با دیگر کشورهای جهان، به رتبه ۱۵۰ در سال ۲۰۱۰ میلادی، کاهش پیدا کرده است. این رتبه بندی نشان می دهد که هزینه زندگی در ایران، ۷۱٪ افزایش پیدا کرده است. البته، نباید فراموش کرد که اجزای تشکیل دهنده شاخص کیفیت زندگی بر این موضوع تأکید دارند که اگر چه اقتصاد در بهبود سطح زندگی نقش مؤثر دارد ولی، شرط کافی برای ارتقاء کیفی زندگی محسوب نمی شود و شروط دیگری نیز برای ارتقاء این شاخص، در زندگی افراد لازم است.

با توجه به کشورهای مورد بررسی در خاورمیانه، می توان گفت که وضعیت ایران، در حدی متوسط، قرار دارد و از نظر شاخص کیفیت زندگی، مانند بسیاری دیگر از کشورهای خاورمیانه، تحول چندانی به دست نیاورده است. ولی، اگر این نکته را با هدف گذاری کشور در زمینه تبدیل شدن به قدرت اول منطقه، از جمیع جهات، مورد ارزیابی قرار دهیم، می توان گفت که مدیران و برنامه ریزان نتوانسته اند که به این هدف نزدیک شوند و در عمل، کشوری مانند ترکیه، با مدیریت و برنامه ریزی بهتر، توانسته است تا سطح کیفی زندگی در این کشور را افزایش دهد و در مقابل، کشور ما، در عمل، درجا زده است [۹]

گری سن و یونگ (۱۹۹۴) اشاره می کنند، که یک توافق و اجماع وجود داشته باشد که در تعیین کیفیت زندگی دو سری بنیادی از اجزاء و فرایندها در تعامل می باشند: «آن هایی که به یک فرایند روان شناختی داخلی وابسته اند و یک احساس رضایت مندی و یا کامروایی را ایجاد می کنند و آن ها که شرایط بیرونی هستند و فرآیندهای داخلی را بر می انگیزند. راجع به بعد اول، عبارات دیگری بکار رفته اند، مثلاً: کیفیت زندگی انفرادی/ شخصی، رفاه و خوشبختی ذهنی و درونی یا رضایت از زندگی. برای بعد دوم عبارات و سطوح مختلفی به کار رفته اند، مثلاً کیفیت زندگی شهری، کیفیت زندگی اجتماعی، کیفیت مکان و کیفیت زندگی محیطی» [۱۰] با توجه به اینکه مفهوم کیفیت زندگی یک مفهوم چندجانبه و چندوجهی است، محققان در پژوهش های خود بر روی کیفیت زندگی به ابعاد مختلف کیفیت زندگی توجه نشان داده اند و شاخص های متفاوتی را برای سنجش این اجزا در نظر گرفته اند.

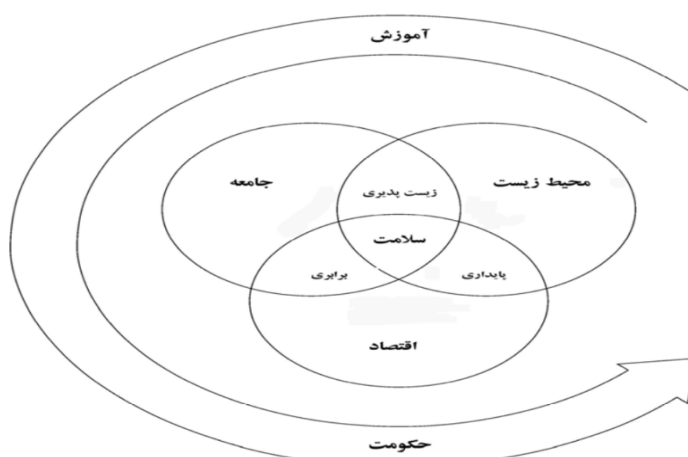
منبع	جنبه های کیفیت زندگی در پژوهش ها مختلف
Liu (۱۹۷۶)	۱- اقتصاد ۲- مسکن ۳- محیط زیست ۴- اجتماع ۵- آموزش
Blomquist et al. (۱۹۸۸) Stover & Leven (۱۹۹۲)	۱- نزولات جوی ۲- تعداد روزهای گرم ۳- تعداد روزهای سرد ۴- رطوبت ۵- سرعت باد ۶- تابش آفتاب ۷-

ساحل ۸- جرم ۹- نسبت معلم به شاگرد ۱۰- ذرات معلق ۱۱- مواد زاید	
۱- امنیت عمومی ۲- هزینه خوراک ۳- فضای زندگی ۴- استاندارد مسکن ۵- ارتباطات ۶- آموزش ۷- بهداشت عمومی ۸- آرامش ۹- جریان ترافیک ۱۰- هوای پاک	Safian(۱۹۹۳)
۱- امید به زندگی ۲- نرخ بیسوادی ۳- متوسط قدرت خرید	Human Dev.Index(UNDP, ۱۹۹۴)
۱- درآمد ماهانه هر شخص ۲- توزیع درآمد ۳- مخارج خوراک ماهانه	Protassenko(۱۹۹۷)
۱- آب و هوا ۲- مسکن ۳- محیط زیست و بهداشت ۴- جرم ۵- حمل و نقل ۶- آموزش ۷- هنر ۸- تفریح ۹- اقتصاد	Boyer & savageau (۱۹۸۱)

منبع: [۱۱]

لیتمان نشان داد که «کیفیت زندگی در شهرهای مربوط به کشورهای جهان سوم، نیازمند شاخص های مکمل است تا بتواند بهتر، بیانگر واقعیات مربوط به آن شهرها باشد.» [۱۲] استراتژی شهری بانک جهانی (۱۹۹۹) برای شهرهای جهان سوم، بر روی چهار مشخصه اساسی «قابلیت سکونت، رقابت پذیری، حکمرانی خوب و ورشکستگی ها متمرکز شده و این چهار عامل را نیز در افزایش رفاه ساکنین این شهرها دخیل می داند» [۱۳] همچنین، مطالعه ای که واحد اطلاعات اکونومیست (۲۰۰۵) برای محاسبه شاخص کیفیت زندگی در کشورهای مختلف انجام داده است، یکی از موفق ترین مطالعاتی بوده است که مجموعه ای جامع از متغیرها را برای محاسبه شاخص کیفیت زندگی مورد استفاده قرار داده است. این مطالعه با در نظر گرفتن ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و بهداشتی، شاخص های نه گانه ای را به عنوان نمایانگر کیفیت زندگی در نظر می گیرد. این شاخص ها از این قرار است: رفاه مادی، بهداشت، امنیت، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، آب و هوا و جغرافیا، امنیت شغلی، آزادی سیاسی و برابری جنسیتی.

در پژوهش های اخیر در زمینه کیفیت زندگی در ایران، ابعاد مختلف این مفهوم به مثابه سازه توسعه پایدار در نگرفته شده است. در واقع می توان این چنین گفت، سخن از کیفیت زندگی در شهرها بدون توجه به توسعه پایدار معنادار نمی باشد و همچنین وقتی بحث توسعه پایدار مطرح می شود، خود به خود مفهوم کیفیت زندگی نیز موضوعیت پیدا کرده و پدیدار می شود. هنکوک و همکاران (۱۹۹۹) یک چارچوبی را برای تعیین ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری تدوین کردند که به گفته آنان این چارچوب می تواند برای تدوین ابعاد پایداری، رفاه و کیفیت زندگی در یک جامعه مورد استفاده قرار بگیرد. این چارچوب در شکل زیر نشان داده شده است.



نمودار ۱- ابعاد کیفیت زندگی

با توجه به مطالب گفته شده می توان نقش کیفیت زندگی را در توسعه پایدار به روشنی درک کرد. می توان امیدوار بود، در صورتی که ابعاد و شاخص های کیفیت زندگی در جامعه به خوبی شناسانده و اجرا شود، توسعه پایدار که خود نیز براساس شاخص های دیگری تبیین می شود، به دنبال خواهد داشت.

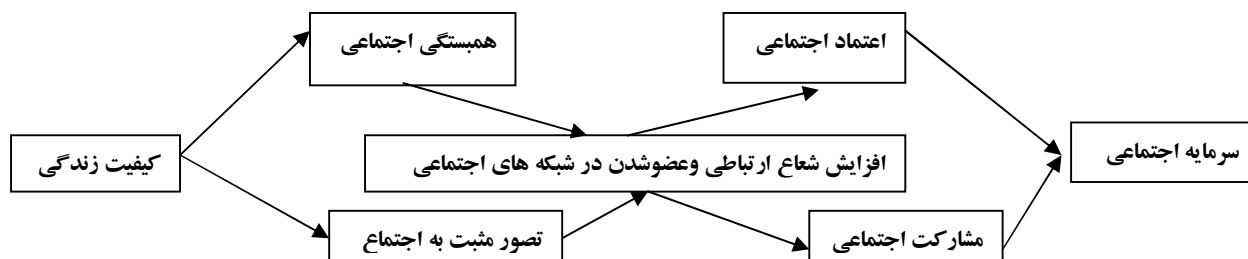
۸. کیفیت زندگی و توسعه پایدار

در راستای تحقق توسعه می‌بایست شرایطی فراهم شود تا امکان بستر سازی توسعه پایدار انسانی و بهبود رفاه اجتماعی شهروندی از جمله بسط شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی فراهم گردد که در این بستر می‌توان به برقراری عدالت اجتماعی [۱۴] طراحی اقلیمی هماهنگ با محیط زیست انسانی تقویت ساختارهای همبستگی اجتماعی همچون تعهد و مسئولیت پذیری، تقویت بنیان‌های اجتماعی و خانوادگی و احیای محیط زیست همگانی و استمرار نظم ساختاری در فضای اجتماعی برای ادراک زیباشناختی و خوانایی جامعه [۱۵] و بهبود بهره‌گیری از فضاها و اجتماعی و افزایش رضایت شهروندی [۱۶] و یکپارچگی بخشی به ساختار بصری محیط و منظر اجتماعی [۱۷] اشاره کرد. کمیسیون جهانی محیط زیست نیز الزامات توسعه پایدار را چنین بیان می‌کند: «مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری در بستر یک نظام سیاسی - چاره‌اندیشی برای تنش‌های حاصل از ناموزونی توسعه در بستر یک نظام اقتصادی - التزام به ترمیم و حفاظت محیط زیست در بستر یک نظام تولیدی - فراهم‌سازی الگوهای پایداری از تجارت مالی در بستر یک نظام دانش فنی ایجاد الگوهای از تجارت و دارایی در بستر یک نظام بین‌المللی - وجود انعطاف‌پذیری و خوداصلاحی در بستر یک نظام مدیریتی. بر این اساس توسعه پایدار در تکوین مفاهیم زیر جنبه کارآمدی به خود می‌گیرد: الف - بستر سازی عدالت اجتماعی و شهروندی ب - بستر سازی مشارکت شهروندی و همبستگی اجتماعی پ - بستر سازی تقویت بنیان‌های اجتماعی و بنیان خانوادگی ث - رویکرد استراتژیک بر پدیداری توسعه پایدار ج - گسترش آداب و فرهنگ شهرنشینی چ - مساعدت و سازماندهی ارگان‌های دولتی و خصوصی ح - کارآمد سازی سیاست‌ها و برنامه‌های سیاست‌گذاری در حوزه کیفیت زندگی خ - گسترش حقوق شهروندی و بهینه‌سازی مناسبات مدنی» [۱۷]

۹. کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی

امروزه کیفیت زندگی شهروندان هدف توسعه پایدار برنامه ریزان در سطح محلی، ملی و بین‌المللی می‌باشد، و آینده بشریت متکی به درک عملی و معنایی سازه‌هایی خواهد بود که بر کیفیت زندگی تاثیر گذار است، سرمایه اجتماعی یکی از این سازه‌هاست که منجر به توسعه پایدار رفاه اجتماعی جامعه از طریق اثرگذاری بر کیفیت زندگی شهروندان خواهد شد. بستر سازی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در زندگی شهروندان باعث می‌شود که کیفیت مطلوب زندگی، شهروندی از دغدغه‌های اولیه زندگی به سمت اهداف و آرمان‌های والا در راستای توسعه پایدار جامعه سوق یابد؛ و احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و تصور مثبت نسبت به اجتماع، در کنار افزایش سطح اعتماد به جامعه و مشارکت در ساخت و توسعه جامعه تقویت گردد، و موجب افزایش شعاع ارتباطی شهروندان با یکدیگر و عضو شدن در شبکه‌های اجتماعی مختلف را بوجود آورد؛ در نتیجه این پیوند معنایی و کاربردی منابع بالقوه و بالفعل روابط نهادی شده میان شهروندان حاصل شده به عبارت ساده «عضویت یک گروه، به زعم بورديو سرمایه اجتماعی است و به عنوان ابزاری در اختیار فرد قرار می‌گیرد تا سرمایه‌های دیگر خود را افزایش دهد» [۱۸]. نتایج بدست آمده از یافته‌های تحقیق در ارتباط پیوند سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی نشان می‌دهد که «در تحقیق میری (۱۳۸۹) رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی بیانگر این است که، سرمایه اجتماعی متغیر مناسبی برای تبیین کیفیت زندگی است و رابطه مثبت و معنی‌داری بین آن‌ها وجود دارد. در پژوهش دیگری گروسی و نقوی (۱۳۸۷) رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی را بررسی کرده‌اند. براساس یافته‌های تحقیق، این رابطه، رابطه مستقیم و معناداری است؛ یعنی با افزایش سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی نیز افزایش می‌یابد. در این تحقیق، مشاهده می‌شود که اعتماد، هنجار و مشارکت غیررسمی با کیفیت زندگی رابطه معناداری دارند، اما مشارکت رسمی هیچ رابطه با کیفیت زندگی نداشت» [۱۹] از طرفی یکی از مولفه‌های کیفیت زندگی مطلوب امکانات آموزشی است که موجب افزایش تعاملات یادگیری می‌شود که از

نظر فالک و کیل پلر تیک شرط مقدمه ساخت سرمایه اجتماعی وجود کمیت و کیفیت کافی تعاملات یادگیری است. در پژوهشی دیگر فیروزجاه و سهرابی (۱۳۹۲) نموداری از رابطه کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی تصور کردند:



نمودار شماره ۲: ۲۰

به هر حال کیفیت زندگی مطلوب موجب شکل گیری فرایندی می شود که شهروندان را به سمت راه ها و مجاری ارتباطی سوق داده می دهد که این مجاری ارتباطی نقش بسزایی در توسعه پایدار جامعه خواهد داشت و در تصمیم گیری های جامعه مشارکت فعال شهروندان را به همراه خواهد داشت؛ چنین مشارکتی برای شهروندان همبستگی و تصور مثبت نسبت به اجتماع را پدید می آورد و این همبستگی و تصور مثبت عاملی می شود در جهت افزایش شبکه های ارتباطی افراد که به دنبال خود برای آنان اعتماد و امنیت را به همراه می آورد و سرانجام تمامی این عوامل موجب افزایش سرمایه اجتماعی می شود، که تاثیر بسزایی در توسعه پایدار جامعه را به همراه خواهد داشت.

۱۰. کیفیت زندگی و توسعه رفاه اجتماعی

کیفیت زندگی رابطه تنگاتنگی با توسعه رفاه اجتماعی دارد؛ برای رضایت از زندگی و احساس شادکامی، این دو فاکتور یعنی کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی لازم و ضروری هستند، زیرا هر دو نیازهای روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خواسته های یک فرد را تأمین می کند. اسمیت معتقد است «کیفیت زندگی مفهومی نامشخص است و معنی آن بستگی بسیار به حوزه ای دارد که در آن مورد استفاده قرار می گیرد. برخلاف پدیده های طبیعی مانند دما، اقلیم یا تعداد جمعیت، کیفیت زندگی مستقیماً قابل مشاهده و اندازه گیری با ملاک های پذیرفته شده عموم نیست. بلکه یک انتزاع فکری است که تمهید شده است تا در نظر گرفتن چگونگی زندگی مردم را در چارچوب هایی تسهیل کند که در داوری درباره اینکه چه چیزی می تواند بهتر یا بدتر باشد مطرح می شود. بنابراین مشابه با مفاهیمی چون توسعه، رفاه و بهزیستی است» [۲۱]

درواقع برای رسیدن این دو مفهوم یعنی کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی که هر دو از مؤلفه های رضایت از زندگی در بستر توسعه پایدار است و به نحوی لازم و ملزوم یکدیگرند. تایج مطالعه حریرچی نشان می دهد که «بین کیفیت زندگی با سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین کیفیت زندگی با سن و تعداد افراد تحت تکفل رابطه منفی و معکوسی برقرار است.» [۲۲] نتایج تحقیق افتخاری بیانگر این است که «در توصیف اندازه گیری و تحلیل رفاه اجتماعی زمینه های مختلفی از جمله شرایط محیطی عینی (دسترس، امکانات و دست یابی ها)، شرایط محیطی ذهنی (احساس رضایت، بی اعتنایی و احساس محرومیت)، شرایط دروندادی نظام اجتماعی (وضعیت، شرایط و امکانات موجود) و شرایط بروندادی نظام اجتماعی (انعکاس یافته در بهداشت فردی) را مدنظر قرار دادند [۲۳] در مجموع بررسی رابطه کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی نشان می دهد که هر دوی این مفاهیم برای دست یابی به اهداف توسعه پایدار بالاخص بسیار تعیین کننده و مهم می باشد و می تواند سهم عمده ای را در پیشبرد برنامه های مرتبط با توسعه پنج ساله جامعه داشته باشد.

۱۱. کیفیت زندگی و حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی شامل انواع حمایت‌ها چون (عاطفی، ابزاری یا مالی، دولتی و...) باشد. حمایت عاطفی را می‌توان ایجاد نوعی رابطه صمیمی و با محبت نظیر دوست داشتن و عشق ورزیدن و احترام گذاشتن به دیگران تعریف کرد. حمایت اقتصادی یا ابزاری را می‌توان در انجام کارهایی چون پول یا ابزاری یا کمکی به دیگران قرض دادن مشاهده کرد. حمایت دولتی را نیز در ارائه خدمات و تسهیلات از سوی دولت و نهادهای دولتی می‌توان تعریف کرد. زمانی که شهروندان در زندگی فردی یا اجتماعی خود دچار شرایط تنش‌زا می‌شوند، حمایت اجتماعی مؤثرترین نیروی مقابله‌ای برای رویارویی با این شرایط است. حمایت اجتماعی باعث می‌گردد این شرایط سخت قابل تحمل شود. «شواهد چشمگیری وجود دارد که نشان می‌دهد حمایت اجتماعی نقش مهمی در سلامت و در نهایت کیفیت زندگی افراد یک جامعه ایفاء می‌کند و فقدان چنین حمایتی باعث انزوای اجتماعی افراد به بیمار شدن جامعه خواهد شد.» [۲۴]

حمایت اجتماعی از طریق ایفاء نقش واسطه‌ای میان عوامل تنش‌زا زندگی و بروز مشکلات جسمی و روانی و همچنین تقویت شناخت افراد، باعث کاهش تنش، افزایش میزان بقاء و بهبود کیفیت زندگی افراد می‌شود. شهروندانی که از حمایت‌های اجتماعی بیش‌تری برخوردار باشند؛ از کیفیت زندگی و سلامت بالاتری برخوردارند. از طرفی عباس زاده در پژوهش خود به این نتیجه رسید که «عوامل اجتماعی-جمعیتی مانند شغل، میزان درآمد و حمایت‌های همسر و والدین، تأثیر اندکی روی کیفیت زندگی دارند. در پژوهش زمان زاده و همکاران با عنوان ارتباط بین کیفیت زندگی و حمایت اجتماعی در بیماران همودیالیزی به این نتیجه رسیدند که «نزدیک به نیمی از بیماران از کیفیت زندگی و حمایت اجتماعی مطلوبی برخوردار نبوده و با توجه به رابطه مثبت بین این دو به خصوص اثرگذاری بارز حمایت در بُعد عاطفی بر کیفیت زندگی توصیه می‌شود برنامه ریزان مراقبتی و مسئولین تربیتی اتخاذ نمایند تا علاوه بر تقویت حمایت ابزاری و اطلاعاتی حمایت عاطفی در این گروه تقویت و بدین طریق موجب بهبود کیفیت زندگی بیماران گردد.» [۲۵]

۱۲. نتیجه‌گیری

کیفیت زندگی به مثابه سازه اجتماعی از شاخص‌های توسعه پایدار در هر جامعه‌ای است که در حوزه رفاه اجتماعی و پایش سیاست‌گذاری‌های عمومی و تدابیر اجتماعی جامعه نقش مهمی به عنوان ابزاری کارآمد دارد. بهره‌مندی از شاخص‌های (کمی و کیفی) کیفیت زندگی و عوامل آن در جهت پایداری توسعه ملی، منطقه‌ای و محلی از مهمترین ضرورت‌ها تدوین برنامه ریزی توسعه در هر جامعه‌ای بالخصوص کشور ایران می‌باشد، بنابراین رشد سریع تغییرات شتابان اجتماعی در جامعه باعث شده که مسئولین به سمت احیای توسعه پایدار حرکت نمایند، با توجه به این واقعیت برنامه ریزان حوزه اجتماعی در تدوین برنامه ششم توسعه باید شاخص‌های ذهنی و عینی کیفیت زندگی را امری ضروری برای ارتقاء زندگی شهروندان قرار دهند، و هدف نهایی خود را ارائه تدابیر رفاهی و راهبردهای اجتماعی و استمرار شاخص‌های اجتماعی همچون (سرمایه، اعتماد، مشارکت، سلامت، حمایت رضایت، و...) قرار دهند. اهتمام به مقوله شاخص‌های (کیفی و کمی) کیفیت زندگی در راستای توسعه برنامه ششم باید متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تدوین گردد. با توجه به مولفه‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، در راستای ارتقاء شاخص‌های کیفیت زندگی در برنامه ششم توسعه باید (رشد اقتصادی شهروندان، توسعه فرهنگی و تاریخی، ارتقاء شاخص‌های بهزیستن، بسط توزیع عادلانه فرصت‌ها و درآمدزایی شهروندان، تقویت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی سبک زندگی اسلامی و ایرانی، پایش محیط زیست، استمرار مشارکت پایدار شهروندان در عرصه‌های مختلف و غیره) مورد توجه برنامه ریزان، قرار گیرد؛ علاوه بر این، سیاست‌گذاری در حوزه کیفیت زندگی جامعه باید در جهت حل تنش‌های

ناموزون توسعه، بسترسازی عدالت اجتماعی، خلق فرصت های اقتصادی و فرهنگی، حمایت از استعدادها و خلاقیت های شهروندان، احقاق حقوق شهروندی، ارتقاء سطح زندگی جامعه در هر یک از مناطق ۸ گانه کشور متناسب با موقعیت محیطی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر منطقه باید مورد اهتمام قرار گیرد؛ از سوی دیگر سیاست گذاری کیفیت زندگی مطلوب شهروندان باید به سمت راه ها و مجاری ارتباطی باشد که این مجاری ارتباطی نقش بسزایی در مشارکت فعال شهروندان بسترسازی همبستگی و تصور مثبت نسبت به اجتماع و امنیت را به همراه خواهد آورد، در نهایت این برنامه ریزی در راستای افزایش سرمایه اجتماعی جامعه خواهد بود. سیاستگذاری های برنامه ششم کیفیت زندگی در جامعه باید در جهت دستیابی به امکانات، احساس رضایت، کاهش بی اعتنایی اجتماعی و کاهش محرومیت با توجه به شرایط دروندادی و بروندادی زندگی شهروندان در ارتقاء و رسیدن به اسناد فرادستی نظام هدفمند گردد؛ همچنین تدوین سیاست های حمایت اجتماعی در جهت تقویت استعدادها و خلاقیت ها، کاهش تنش ها، افزایش میزان بقاء و بهبود سطح زندگی افراد به ارتقاء کیفیت زندگی و توسعه پایدار جامعه کمک بسیار زیادی می کند، در این راستا تدابیر و راهبردهای اجتماعی و رفاهی در جهت پایداری از سطح مطلوب کیفیت زندگی مورد توجه برنامه ریزان حوزه رفاه و خدمات اجتماعی قرار دارد که می توان به برخی از آن ها در سطور ذیل اشاره نمود.

۱۳. تدابیر و راهبردها

- استفاده از آموزه های دینی، قرآنی، احادیث نبوی و علوی در حوزه ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان.
- استحکام بخشیدن به روابط اجتماعی مثبت شهروندان در تمام حوزه های ساختار اجتماعی
- تقویت اطمینان و اعتماد در میان شهروندان جامعه با یکدیگر و با دستگاه های دولتی و حاکمیتی و بالعکس
- نهادینه نمودن رفتارها و اعمال اجتماعی مثبت در بین شهروندان.
- استمرار فعالیت های مشارکت شهروند محور در راستای اجرای ضمانت های اجرایی و قانونی جامعه.
- آموزش کیفی دستگاه های اجرایی جامعه در حوزه رفتارهای متقابل تعاون بخش، همدلی، همیاری، تعهد، اعتماد
- تقویت روابط تعامل برانگیز دستگاه دولتی با فعالیت ها و دستاوردهای اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی- سمن ها
- اهمیت دادن به امر آموزش و آگاهی عمیق به شهروندان و خانواده ها نسبت به پیامدهای آسیب های اجتماعی
- تدوین برنامه ریزی و استراتژی های "کوتاه- میان- بلند" مدت در جهت نهادینه کردن سلامت اجتماعی شهروندان
- برگزاری کارگاه های آموزشی برای تغییر مهارت های (رفتاری، هنجاری، عملی، ارزشی) شهروندان.
- حمایت از شکوفایی خلاقیت ها و استعدادها، توانمندی های فکری و عملی شهروندان.
- بازتولید امید به زندگی شهروندان
- بازتولید سرمایه فرهنگی شهروندان زندگی.
- ارائه تدابیر متنوع برای جلوگیری از هرگونه تبعیض، در تمام عرصه های اجتماعی و فرهنگی
- تدوین برنامه ریزی های اجتماعی برای پیشگیری از مخاطرات و آسیب های اجتماعی
- حمایت مستمر از انسجام خانواده ایرانی و اسلامی
- تدابیر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در حوزه کاهش فقر نسبی شهروندان
- پرهیز از هرگونه سیاسی کاری و حزب گرایی در اتخاذ تصمیمات و برنامه ریزی های اجتماعی
- اتخاذ تدابیر فرهنگی و سیاست های اجتماعی در راستای جلوگیری از مهاجرت بی رویه و حاشینه نشینی
- آموزش شهروندان در جهت ارتقاء شاخص های کیفی و کمی کیفیت زندگی

- حمایت مادی و معنوی از مراکز خدمات مشاوره ای و اجتماعی.
- ارتقاء اخلاق اجتماعی، حرفه ای و معنوی در بین شهروندان با تأکید بر فرهنگ اسلامی و ایرانی.
- کارگاه های آموزشی در حوزه ارتقاء ارتباطات انسانی و اجتماعی برای شهروندان با تأکید بر فرهنگ ایرانی و اسلامی.
- شناسایی نیازهای متنوع شهروندان جامعه در بحث کیفیت زندگی
- تأکید بر مهارت اجتماعی و اساسی کیفیت زندگی در نهاد خانواده
- آموزش در سطح گروه های اجتماعی جامعه در راستای جلوگیری از طرد و انزوای اجتماعی
- توانمندسازی شهروندان در حوزه کیفیت کمی و کیفی زندگی از طریق رهیافت جامعه محوری و مشارکت مداری.
- ترغیب تشکل های صنفی در جهت ارتقاء بهداشت روانی، اخلاقی و اجتماعی شهروندان
- حمایت از ارتقاء سواد رسانه ای در حوزه فرهنگ سازی کیفیت زندگی و سبک زندگی ایرانی و اسلامی.
- ارتقاء توانمندی خانواده های بی سرپرست و خود سرپرست خانوار در ارتقاء کیفیت زندگی.
- ایجاد روحیه بانشاط و امیدوار در بین شهروندان نسبت به زندگی اجتماعی.
- تقویت نگرش مثبت، خودباوری، شهروندان
- ارتقاء روحیه مسئولیت پذیری و تعهد اخلاقی شهروندان.

۱۲. مراجع

1. Royuela V, Surinach J. (۲۰۰۵), "Constituents of quality of life and urban size", Social Indicators Research ۷۴ (۳): ۵۹۴-۵۷۲.
2. Lee, Y. J., (۲۰۰۸). "Subjective quality of life measurement in Taipei, building and environment". Vol ۴۳, No ۷.
3. غفاری، غ و امید، ر. (۱۳۸۸). "کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی"، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرازه.
4. نوغانی، م، اصغرپورماسوله، ا، صفا، ش، کرمانی، م. (۱۳۸۷). "کیفیت زندگی، شهروندی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد"، مشهد: مجله علوم جغرافیا دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی، شماره ۵۰۱.
5. مهدی زاده، ج و دیگران (۱۳۸۲). "برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)"، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
6. لطفی، ص. (۱۳۸۸). "مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری". فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره ۴ صص ۸۰-۶۵.
7. غفاری، غ و کریمی، ع و نوزدی، ح. (۱۳۹۱). "روند مطالعه کیفیت زندگی در ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره اول، شماره ۳، صص ۱۰۷-۱۳۴.
8. Phillips, D (۲۰۰۶). "Quality of Life: Concept, Policy and Practice". London: Rutledge Publications.
9. سایت خبری و تحلیلی تابناک، "مقایسه شاخص کیفیت زندگی در ایران با دیگر کشورها"، چهاردهم تیرماه ۱۳۸۹ خورشیدی
10. Massam, B, H. (۲۰۰۲). "Quality of life: public planning and private living, progress in planning", vol, ۵۸, pp ۱۴۱-۲۲۷.
11. Ashton, John (۲۰۰۰). "Healthy cities, concept and vision", University of Liverpool, Liverpool, UK.
12. Leitmann, J. (۲۰۰۰). "Different strokes: assessing the quality of life in Third world cities", second international conference on quality of life, volume ۱, school of building and real Estate, National university of Singapore. pp ۹-۲۳.
13. باسحام، عاقلی کهنه شیری، ل، مسائلی، ا. (۱۳۸۹). "رتبه بندی شاخص کیفیت زندگی در استان های کشور"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۷.
14. هاروی، د. (۱۳۷۶). "عدالت اجتماعی و شهر"، ترجمه فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی زاده، چاپ دوم، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.

۱۵. لینچ، ک، (۱۳۸۱). "سیمای شهر"، ترجمه منوچهر مزینی، چاپ پنجم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۶. بحرینی، ح. (۱۳۷۸). "تحلیل فضاهای شهری"، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۷. کالن، گک، (۱۳۷۷). "گزیده منظر شهری"، ترجمه منوچهر طیبیان، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۸. شارع پور، محمود (۱۳۸۰). "فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن"، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۳، صص ۶۸-۷۱.
۱۹. احمدوند، م و هدایتی، س و عبدالهی، خ (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر رفاه و سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی شهرستان بویراحمد"، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، شماره دوم، صص ۸۹-۱۱۲.
۲۰. رحمانی فیروزجاه، ع و سهرابی، س (۱۳۹۲). "بررسی جامعه شناختی رابطه میان کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر تهران)"، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۱۸۷-۱۷۵.
۲۱. اسمیت، دام (۱۳۸۱). "کیفیت زندگی: رفاه انسانی و عدالت اجتماعی"، ترجمه حسین حاتمی نژاد و حکمت شاهی اردبیلی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۱۸۶-۴۸۵.
۲۲. حریرچی، ا، میرزایی و جهرمی (۱۳۸۸). "چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس"، فصلنامه پژوهش های اجتماعی، سال دوم، شماره ۴، صص ۸۹-۱۱۰.
۲۳. امینی، م (۱۳۸۵). "شاخص های کیفیت زندگی شهروندی و نقش و وظایف دولت"، تهران: هفتمین کنفرانس بین المللی مدیران کیفیت.
۲۴. Schmitt, R. B. (۲۰۰۲). "Considering social capital in quality of life assessment: concept and measurement. *Social indicators research*". Vol ۵۸, No ۱-۳, pp ۴۰۳-۴۲۸.
۲۵. شیشه گر، س و همکاران (۱۳۹۲). "بررسی رابطه حمایت اجتماعی با کیفیت زندگی و میزان استرس در زنان باردار"، نشریه علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشکده علوم پزشکی و خدمات پزشکی درمانی شهیدبهشتی، دوره دوم، شماره ۸۱، صص ۲۷-۳۲.

محمد حسن شربتیان: عضو هیئت علمی دانشگاه
این مقاله جهت ارائه در سایت انسان شناسی و فرهنگ ارائه شده است.

با حفظ رعایت حق کپی رعایت قابل استفاده می باشد.